

Journal iranian political sociology

Vol. ۵, No.۹, Azar ۲۰۲۲

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.339124.3400>

Abstract:

The purpose of this study was to analyze the impact of ethnic policies in the Islamic Republic of Iran on the process of ethnic convergence in Golestan province. The effectiveness of ethnic policies and ethnic policy-making as the approach of the Islamic Republic of Iran on the extent to which ethnic groups reach a common understanding and convergence has been examined. Given the ethnic structure in Golestan province and existing ethnic gaps, policy-making is a necessity. The present study is descriptive-survey. The statistical population of the study includes ۱۸۶۸۸۱۹ people living in Golestan province, which was obtained based on the ۲۰۱۶ census, which according to Cochran's formula, ۳۸۴ people were selected as a sample. The data collection tool was a questionnaire developed for each of the research variables, the reliability of which was confirmed by Cronbach's alpha. Data analysis was performed by SPSS ۲۶ software. Findings showed that the ethnic policies of the Islamic Republic of Iran have led to increased cooperation in economic activities, increased interactions and social and cultural ties between the tribes of Golestan province.

تحلیل اثرگذاری سیاست‌های قومی در جمهوری اسلامی ایران بر فرایند همگرایی اقوام استان گلستان

مسعود مطلبی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰

محمد مهدی نادری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۳

محمود آبیل^۳

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، تحلیل اثرگذاری سیاست‌های قومی در جمهوری اسلامی ایران بر فرایند همگرایی اقوام استان گلستان بود. پژوهش حاضر توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۸۶۸۸۱۹ نفر از اقوام ساکن در استان گلستان هستند که براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ به دست آمده است که براساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه تدوین شده برای هر یک از متغیرهای پژوهش بود که پایایی آن توسط آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها توسط نرم‌افزار *SPSS* انجام گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان داد که سیاست‌های قومی نظام جمهوری اسلامی ایران منجر به افزایش همکاری در فعالیت‌های اقتصادی، افزایش تعاملات و پیوندهای اجتماعی و فرهنگی بین اقوام استان گلستان گردیده است.

واژگان کلیدی: سیاست‌های قومی، جمهوری اسلامی ایران، همگرایی، اقوام، گلستان.

^۱ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

mmtph2006@mmtph2006

^۲ استادیار گروه فلسفه، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران،

naderimm@yahoo.com

^۳ دانشجوی دکتری تخصصی گروه علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

Mahmod.abil1401@gmail.com

تحلیل‌های عمیق اخیر منطقه توسط هاشمی و پستل (۲۰۱۷) و وری^۲ (۲۰۱۷) ارائه شده است. در زمینه فرقه‌گرایی، دیدگاه اولیه غالباً، مبتنی بر یک توضیح تاریخی است که فرض می‌کند تعارضات مذهبی توسط انگیزه‌های غریزی^۳، ویژگی‌های اجتماعی فطری^۴ و داده‌های اجتماعی باستانی یا ادراک‌شده^۵ تغذیه می‌شوند. جنگ‌های قبیله‌ای به مدت هزار و پانصد سال از طریق خون‌خواهی‌های قبیله‌ای^۶ شکل گرفتند و میل فرهنگی به خشونت را تقویت کردند. فرقه‌گرایی و تضاد فرقه‌ای^۷ عمیقاً در روابط اجتماعی جوامع فرقه‌ای ریشه دارد که با تفاوت‌های قومی اجتناب‌ناپذیر و همیشگی تعریف می‌شود. هویت^۸ یکی از اجزای اساسی فرقه‌گرایی است. هویت بر ترجیحات و تصمیمات تأثیر می‌گذارد، روابط قدرت و تعاملات اجتماعی را تعیین می‌کند و احساس تعلق ایجاد می‌کند. ویژگی‌های فرقه‌گرایی مانند: تأثیرات وضعیتی و اقدامات عمومی، حمایت از هنجارها و مقابله به مثل در برابر ناقضان هنجارها و همچنین طرد شدن بیگانگان و طرفداری از خودی‌ها را توضیح می‌دهد. شکل‌گیری هویت به‌طور همزمان از فرقه‌گرایی تغذیه می‌کند و باعث ایجاد یک رابطه بازگشتی می‌شود (سباستین^۹، ۲۰۲۱). به‌طور کلی، ثابت شده است که فرقه‌گرایی یکی از آفت‌های جامعه بشری است که در طول تاریخ، رنج و ستم بی‌شماری را بر انسان‌ها تحمیل کرده است. این پدیده ریشه در خصلت حیوانی انسان دارد که مبتنی بر سلطه-جویی و افزون‌طلبی وی است. در این راستا، چنین به نظر می‌آید که با توجه به انگیزش خواست‌های قومی و مطرح شدن افراطی مسائل قومیت‌گرایی در گستره جهانی و دامن زدن کشورهای سودجو به این مسئله، طولی نخواهد کشید که جهان؛ خصوصاً کشورهای چندقومی در جهان سوم به شدت تحت تأثیر پیامدهای ناخوشایند این امر قرار گیرند. از سوی دیگر، موقعیت جغرافیایی خاص کشور ایران و قرارگرفتن آن در گذرگاه مهاجرت‌های بزرگ تاریخی و هجوم اقوام کوچک‌نشین به این کشور باعث سکونت اقوام گوناگون و پیدایش تنوع زیاد قومی و نژادی در ایران شده است (قاسمی و صفاری‌راد، ۱۳۹۳). استمرار و پایداری حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه در گرو انسجام و همبستگی بین اجزاء و عناصر سازنده ساختار اجتماعی است. انسجام، توافق در اهداف، ارزش‌ها و نگرش‌هاست و در فرایندی اجتماعی متولد می‌شود و محصول کنش عقلانی و مختارانه است. انسجام یا همبستگی اجتماعی معمولاً مفهومی را می‌رساند که بر پایه آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته‌اند و به‌طور متقابل نیازمند یکدیگر هستند. انسجام اجتماعی همچنین نوعی احساس ارتباط، گرایش و تعامل با دیگران است و منظور از آن احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند. انسجام اجتماعی در این معنا در واقع، احساس همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی است که اعضای جامعه نسبت به یکدیگر دارند. انسجام اجتماعی مفهومی فراتر از احساس نزدیکی با ارتباط عاطفی افراد با یکدیگر باشد. طبق آنچه عموماً در جامعه‌شناسی از مفهوم انسجام اجتماعی مستفاد می‌شود، این مفهوم به درجه یا همگرایی یک جامعه و در واقع به پیوندها و روابطی که اعضای یک جامعه یا گروه را به یکدیگر مرتبط می‌سازند اشاره

^۲ Wehrey

^۳ instinctive impulses

^۴ innate social characteristics

^۵ ancient or perceived social givens

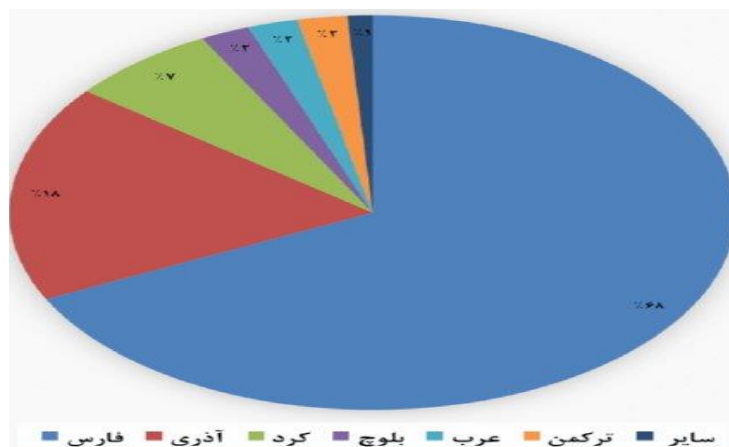
^۶ tribal blood feuds

^۷ Sectarianism and sectarian conflict

^۸ Identity

^۹ Sebastian

دارد (سهرابی صمیره، نوابخش و حضرتی، ۱۴۰۰: ۶۲). کلیت ترکیبی ملت ایران را می توان براساس شاخصه هایی چون قومیت، دین، مذهب، ملیت و طبقه اجتماعی بررسی کرد. از نظر قومیت بایستی گفت که بخش اعظم ملت ایران، فارس هستند که حدود ۷۳ درصد الی ۷۷ درصد جمعیت ایران را تشکیل می دهند. پس از فارس ها، قوم آذری بیشترین فراوانی را تشکیل می دهد که حدود ۱۵ الی ۱۷ درصد است. جمعیت ترکمن ها حدود ۲/۱ درصد جمعیت ایران است و حدود ۵/۳ الی ۵ درصد از جمعیت به سومین گروه قومی؛ یعنی کردهای سنی و شیعه غرب کشور اختصاص دارد. پس از آن به ترتیب، قوم عرب در جنوب غربی کشور با حدود ۳ درصد، قوم بلوچ در جنوب شرقی کشور با حدود ۲ درصد از کل جمعیت را تشکیل می دهند که همه این آمارها به صورت تخمینی است و آمار قطعی و دقیقی وجود ندارد. درصد جمعیت اقوام ساکن در ایران را می توان در شکل شماره (۱) مشاهده نمود (عادل و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۷).



شکل شماره (۱): درصد جمعیت اقوام ساکن در ایران (همان منبع: ۴۰).

برکنار ماندن از تفاوت های فرهنگی و قومیتی در جوامع امروزی دنیا ناممکن است. خاورمیانه نیز از این قاعده مستثنا نیست و در مورد کشور ایران نیز تنوع فرهنگی و قومی از ویژگی های جامعه آن است که در دوره هایی میان هویت های خرد و کلان اختلال هایی به وجود آمده است. اختلال هایی که در برخی مواقع و شرایط تاریخی و عوامل داخلی و خارجی زمینه بروز یافته اند (کریمی و موان، ۱۳۹۰: ۲۹). این اختلالات و کشمکش های واگرایانه و همگرایان ها ضرورت مدل سازی، مطالعه میدانی و شناخت عوامل مؤثر بر آن ها را ضروری ساخته است؛ بنابراین نیروهای همگرا و واگرا در تعیین چگونگی ترکیب و انسجام ملت ایران نقش عمده ای دارند و مطالعه آن ها اهمیت خاصی دارد. برخی از این نیروها، نقش ثابتی در فرایندهای همگرایی یا واگرایی دارند و برخی دیگر در شرایطی قابل هدایت هستند و امکان تحول در کارکردهای آن ها وجود دارد؛ بنابراین می توان آن ها را در مسیر تحقق هریک از فرایندهای همگرایی یا واگرایی با توجه به انگیزه سیاسی و کاربری مورد نیاز به کار گرفت. اتخاذ سیاست ها و تدابیر مناسب به منظور تنظیم روابط میان اقوام با دولت و تبیین حقوق و تکالیف متقابل هریک از آن ها و بیان روش های اجرایی رسیدن به آن ها به منظور حفظ وحدت و همبستگی ملی، همزمان با مراعات و اعطای حقوق اقوام و اقلیت ها است. این سیاست ها باید مواضع خود را نسبت به حوزه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی معین کنند. کار ویژه سیاست قومی که تنظیم مناسبات اجتماع ملی و اجتماع قومی است و دو شاخص «سرشت دولت» و «ترکیب جمعیتی» هر کشور مهمترین عناصر تعیین کننده آن در هر نظام سیاسی است (متقی

وهمکاران، ۱۳۹۶: ۸۲۲). از این رو، جهت بررسی این موضوع مهم محقق به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا سیاست‌های قومی در جمهوری اسلامی ایران بر فرایند همگرایی اقوام استان گلستان تأثیر دارد؟ بدین منظور، دو فرضیه را در نظر گرفته است: ۱. سیاست‌های قومی نظام جمهوری اسلامی ایران منجر به افزایش همکاری در فعالیت‌های اقتصادی در بین اقوام استان گلستان شده است ۲. سیاست‌های قومی نظام جمهوری اسلامی ایران منجر به افزایش تعاملات و پیوندهای اجتماعی و فرهنگی بین اقوام استان گلستان شده است.

مبانی نظری پژوهش

قوم‌گرایی

فانر حداد^{۱۱} (۲۰۱۷) که به دقت مطالعات متعددی را درباره فرقه‌گرایی بررسی کرد دریافت که ما هیچ تعاریف روشنی از فرقه‌گرایی نداریم و توصیه کرد که این مفهوم باید «برای همیشه کنار گذاشته شود». به‌طور مشابه، اسامه مکدسی^{۱۱} (۲۰۱۷)، مشاهده کرده است که فرقه‌گرایی مفهومی «ذاتاً کشسان و مبهم» است. به‌طور کلی، می‌توان عنوان نمود که فرقه‌گرایی احساس تعلق، فداکاری و وفاداری یک کنشگر اجتماعی (فردی یا گروهی) به یک جامعه فرقه‌ای در یک بافت اجتماعی است. تعلق شدید یک کنشگر اجتماعی باعث می‌شود که جامعه خود را بالاتر از دیگران قرار دهد. با این حال، این تعریف چیز زیادی درباره پیامدهای سیاسی فرقه‌گرایی به ما نمی‌گوید. از این رو، تفکیک بین یک مقوله اجتماعی - یک جامعه فرقه‌ای - و کارکرد سیاسی بالقوه آن مفید است (سولی^{۱۲}، ۲۰۱۹: ۶۸-۶۹). قومیت‌گرایی را احساس تعلق به یک قوم یا گروه قومی خاص و برتر دیدن خود و احساس تضييع حقوق خویش که منجر به تلاش و کنشی عملی برای کسب حقوق از دست‌رفته است، تعریف می‌کنند. این قومیت‌گرایی دارای دو جنبه اساسی است: یکی جهت‌گیری مثبت نسبت به گروه خودی و دیگری موضع منفی عملی در قبال گروه‌های غیر خودی است. این قومیت‌گرایی، حاصل فرایند خاصی است که در روند تکاملی خویش می‌تواند به نوعی منازعه و درگیری قومی در جامعه تبدیل شود. این وضعیت ابتدا به صورت شناخت خود و ایجاد فاصله با مجموعه کلان (دولت) ظهور می‌کند، سپس وارد مرحله طرح مرام و ایدئولوژی می‌شود و در پایان، چنانچه مطالبات آن برآورده نشود، دست به مبارزه می‌زند که حد بالای آن، شکل‌گیری نوعی منازعه قومی در عرصه اجتماعی است (طالبی و کریم‌زاده، ۱۳۹۷: ۷۱). در جمع‌بندی قوم، قومیت، هویت قومی و گروه قومی می‌توان شاخصه‌های زیر را معیار تمیز آن‌ها از دیگر گروه‌های اجتماعی قرار داد. این شاخص‌ها عبارتند از:

- مهم‌ترین ممیزه قوم و قومیت در ابعاد فرهنگی آن نهفته است. به بیان دیگر، این گروه‌ها بر نیاد مواریت و شناسه‌های فرهنگی نظیر: زبان، مذهب، آداب و رسوم و پیشینه تاریخی شکل می‌گیرند.
- قومیت؛ ناظر بر ادراک هویت قومی است. این ادراک می‌تواند دارای خاستگاه واقعی و یا احساسی باشد؛ ولی در هر صورت از دل‌بستگی و تعلق خاطر نسبت به گروه قومی حکایت دارد.
- رشد قومیت متأثر از درک و تجربه مشترک از محرومیت مادی، شرایط نامطلوب زندگی، سختی‌ها و به حاشیه رانده شدن‌هاست.

^{۱۱} Fanar Haddad

^{۱۱} Ussama Makdisi

^{۱۲} Saouli

- قومیت؛ امری انفعالی است که گروه‌های قومی جهت دفاع از هویت و بقای گروه خویش بدان روی می‌آورند.
- هویت قومی؛ زیرمجموعه‌ای از هویت ملی است و امکان تبدیل به هویت‌هایی فراقومی چون دولت-ملت‌ها، امپراطوری‌ها و واحدهای بزرگ دینی را دارد (عادل و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۷).

قومیت‌گرایی در خاورمیانه

علاقه و نگرانی عمومی نسبت به گسترش درگیری‌های فرقه‌ای در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا و به‌ویژه در منطقه خلیج فارس از سال ۲۰۱۱ به شدت کاهش یافته است (جنگلر^{۱۳}، ۲۰۲۰: ۱۱۰). تصمیمات سیاسی به طور فزاینده‌ای بر اساس این فرضیه گرفته می‌شود که خاورمیانه توسط یک جنگ فرقه‌ای صرفاً دوگانه بین مسلمانان سنی و شیعه درهم شکسته شده است، هویت فرقه‌ای تغییر ناپذیر است و مشکلات فرقه‌ای اساسی در منطقه حل نشدنی است. به دنبال این مفروضات، بسیاری از صاحب‌نظران بیان می‌کنند که ایالات متحده نه تنها به خاورمیانه اجازه می‌دهد تا برای مطابقت با انشعاب فرقه‌ای مجدداً، هماهنگ شود؛ بلکه با حمایت از ایجاد ایالت‌ها و مناطق فرعی جدید همسو با فرقه، به تقویت این شکاف‌ها کمک می‌کند. برخلاف روایتی که اغلب شنیده می‌شود که تاریخچه‌های کهن و مستمر از منازعات لاینحل بین این دو فرقه بر سر اختلافات کلامی وجود دارد، بررسی دقیق تعاملات بین اهل سنت و شیعه از زمان انشقاق آن‌ها نشان می‌دهد که مسائل سیاسی، حقوقی، جغرافیایی، اقتصادی، قومیتی و غیره به اندازه نقش اختلافات کلامی، در تقسیم‌بندی این گروه‌ها اهمیت داشته‌اند. بسیار ساده‌انگارانه است که ادعا کنیم خشونت در هر کشوری نتیجه اختلافات مذهبی سنی و شیعه است؛ بلکه رقابت ژئوپلیتیکی، اختلافات محلی و رقابت‌های سیاسی دلایل اصلی درگیری در هر کشور را تشکیل می‌دهند. در طول تاریخ، این فرقه‌ها زمانی بیشتر با هم در تضاد بوده‌اند که دین هویت اصلی بیان‌شده بر هویت‌های دیگر، مانند قوم‌گرایی یا وابستگی قبیله‌ای محلی باشد (رابینسون، کانابل و همکاران^{۱۴}، ۲۰۱۸: ۲).

اسلام و قومیت‌گرایی

قومیت‌گرایی به معنای گروه‌بندی افراد جامعه و تمایز قائل شدن میان آن‌ها براساس عوامل زبانی، نژادی، رنگ پوست و غیره مورد تأیید اسلام نمی‌باشد. به‌ویژه اگر این رویکرد با هدف تجزیه‌طلبی و جدایی‌خواهی که موجب تفرقه و چنددستگی میان یک ملت شود از دیدگاه اسلام مردود شناخته شده است. سیره نبی مکرم اسلام (ص) و ائمه طاهرین (علیهم‌السلام) گویای این است که اختلاف در زبان، رنگ پوست و غیره نمی‌تواند مایه تفاخر و برتری‌طلبی عده‌ای نسبت به عده‌ای دیگر شود. از دیدگاه قرآن نیز همه مسلمانان با هم برابرند و برای هیچکدام از آنان بجز در تقوا نسبت به بقیه برتری وجود ندارد. آیه ۱۳ سوره حجرات به‌طور صریح بر تفکر قومیت‌گرایی و نژادپرستی خط بطلان می‌کشد: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعْبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». از نظر قرآن، مردم همه باهم برابرند و هیچ اختلافی و فضیلتی در بین آنان نیست. کسی بر کسی برتری ندارد. به این ترتیب، زبان و نسبت نمی‌توانند عامل برتری و تفاخر باشد. به همین دلیل، امتیازطلبی‌های موهوم، استیلا و برتری‌طلبی‌های نژادی از دیدگاه اسلام مردود اعلام شده است (عزیزی، ۱۳۹۹: ۵).

^{۱۳} Gengler

^{۱۴} Robinson, Connable et al

عوامل مؤثر بر قومیت‌گرایی

شکاف‌ها و درگیری‌های فرقه‌ای توسط بازیگران دولتی «به‌عنوان راهبردی برای انحراف خواسته‌ها برای تغییر سیاسی و تداوم قدرت آن‌ها» ایجاد می‌شود. علاوه بر هویت، پویایی گروه^{۱۵}، دولت‌های ضعیف^{۱۶}، و رقابت‌های ژئوپلیتیکی^{۱۷}، متغیرهای مداخله‌گری دیگری هستند که ممکن است روند فرقه‌گرایی را در یک کشور خاص شکل دهند (آریفانتو^{۱۸}، ۲۰۲۱). مطالعات صورت‌گرفته در زمینه علل ریشه‌ای منازعات قومی نگاه‌های مختلفی به این موضوع دارند و آن‌ها را از شورش تا نسل‌کشی طبقه‌بندی می‌کنند. با این حال، می‌توان دو دیدگاه اصلی را در این زمینه مورد توجه قرار داد: ۱. پارادایم فرهنگی ۲. پارادایم ساختاری.

پارادایم فرهنگی

پارادایم فرهنگی، منازعه قومی را به‌عنوان یک مسئله هویت اجتماعی مد نظر دارد که به‌واسطه تهدید واقعی یا خیالی پیش روی مرزهای گروه و شیوه زندگی آن‌ها ایجاد می‌گردد.

پارادایم ساختاری

پارادایم ساختاری بر این فرض مبتنی است که منازعه قومی اصولاً ربطی به قومیت ندارد؛ بلکه عوامل اقتصادی و سیاسی از جمله سرزمین را دربر می‌گیرد. در این خصوص، ممکن است قومیت برای کسب قدرت اقتصادی و سیاسی یا طبقه‌بندی جوامع یا دولت-ملت‌ها در نظام جهانی مورد سوء استفاده قرار گیرد. طبقه‌بندی به‌طور معمول، شامل سوء استفاده از گروه‌های ضعیف‌تر است؛ بنابراین از لحاظ مفهومی در چهار حوزه سیاسی، اقتصادی، هویتی و اجتماعی به‌عنوان متغیرهای پژوهش در چارچوب مفهومی در نظر داشت. نخست، در حوزه سیاسی، عوامل و زمینه‌های چهارگانه چون: قدرت حکومت مرکزی، ضعف‌ها و کاستی‌ها در حوزه سیاست‌پردازی، نحوه عملکرد کارگزاران سیاسی محلی و مرکزی، عوامل مؤثر منطقه‌ای و جهانی مورد توجه قرار می‌گیرد. در حوزه اقتصادی یا به‌عبارت دقیق‌تر، اقتصاد سیاسی، نقش‌گزینش عقلانی بر مبنای حسابگری و محاسبه سود و زیان اعمال گروه‌های قومی و در حوزه جامعه‌شناختی، ساخت نابرابر اجتماعی معطوف به منزلت اجتماعی به‌عنوان متغیرهای مستقل و مفاهیم کلیدی مطرح می‌باشند (عادل و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۶).

انسجام اجتماعی^{۱۹} و همگرایی

ایران؛ سرزمینی است که دربرگیرنده گروه‌های قومی، زبانی و دینی گوناگون است. فرهنگ‌های اقوام ایرانی با همه گوناگونی به سبب همزیستی تاریخی اجتماعی طولانی در سرزمین ایران، در برخی وجوه، قرابت‌ها و اشتراکاتی دارند که آن‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کند. ملت بزرگ ایران به‌رغم وجود تیره‌های مختلف و رنگارنگ قومی و زبانی، دارای یک

^{۱۵} class dynamics

^{۱۶} fragile states

^{۱۷} geopolitical rivalries

^{۱۸} Arifianto

^{۱۹} social solidarity

وطن، یک تاریخ، یک فرهنگ و آداب و رسوم می‌باشند. همبستگی ملی^{۲۰} یکی از مهم‌ترین عوامل حیات دولت‌های کنونی است که به‌واسطه آن هویت هر ملت تکوین یافته و بقا و تداوم آن در طول زمان میسر می‌شود. با این وجود، کثرت اقلیت‌های قومی و مذهبی در ایران، به لحاظ تاریخی، کشور را در برابر اختلافات قومی، مذهبی و فرهنگی آسیب‌پذیر نموده است. از سوی دیگر، وجود قومیت‌ها به‌عنوان قسمتی از خرده فرهنگ‌ها، یکی از واقعیت‌های غیر قابل انکاری است که در صورت بی‌توجهی به آن، خطر بالقوه‌ای همبستگی ملی را تهدید می‌کند (بزرگ‌نیا و هاشم‌پور، ۱۳۹۴: ۱). از موضوعات مهم در همگرایی بین هویت‌ها و به‌خصوص، نوع نگرش به هویت ملی، نگرش گروه قومی به مقوله هویت ملی است؛ چراکه هویت ملی یکی از عناصر و پیش‌شرط‌های ضروری به مقوله هویت ملی است. به‌عبارت دیگر، وجود احساس تعارض یا همسازی بین هویت ملی و هویت قومی نقش مؤثری در چگونگی پیگیری حق تعیین سرنوشت و سرانجام، همبستگی ملی دارد (رویین‌تن، مشهدی میقانی و یارمحمدتوسکی، ۱۳۹۸: ۷۲). حفظ هویت بومی اقوام ایرانی به‌عنوان سرمایه‌های اجتماعی از یک سو و همسویی آن‌ها با هویت ملی از سوی دیگر از دغدغه‌های کنشگران در زندگی روزمره و همچنین خمیرمایه پارادایم‌های فکری اندیشمندان ایرانی است (رضائیان، وثوقی و ساروخانی، ۱۳۹۸: ۲۰). همگرایی؛ حس تعلق و وحدت اجزای ملت با همه عناصر به‌وجودآورنده کشور اعم از سرزمین، نظام سیاست و ملت، طوری که افراد مابین خود و عناصر، احساس جدایی و متفاوت بودن نکنند (جوکار، بخشایشی اردستانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۱۱). همگرایی؛ فرایندی است که بازیگران و گروه‌های سیاسی مجزا در آن برای توجه به اهداف جدید، وفاداری-ها و فعالیت‌ها و انتظارات خود را به سوی مرکز جدیدی معطوف می‌کنند و در رسیدن به اهداف و تصمیمات مشترک دست می‌یابند (برزگر، لطفی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۳۶). انسجام ملی عبارت است از: «احساس تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد مشترک افراد به اجتماع و آن "مای" بزرگی که به افراد هویت جمعی می‌دهد و ناظر بر انسجام درونی یک جامعه است» (دشتی و عیوضی، ۱۳۹۷: ۱۴۴).

فواید انسجام اجتماعی

انسجام ملی از جمله مسائلی است که می‌تواند سبب رشد و توسعه کشور گردد. اگر انسجام ملی به خطر افتد؛ نه تنها توسعه حاصل نمی‌شود؛ بلکه ممکن است شاهد پس‌رفت کشور نیز بود (جلالی، ۱۳۹۷: ۷۳). از جمله نتایج مهم انسجام، یکپارچگی گروه در رسیدن به هدف است. در این صورت، توافق و هماهنگی بیشتری از سوی گروه بر روی موضوعات و پدیده‌ها حاصل می‌شود. در نتیجه، کارایی افزایش می‌یابد به طوری که فرایند زمانی رسیدن به هدف و مقصد کاهش می‌یابد و افراد گروه با آرامش و امنیت روانی بهتری فعالیت می‌کنند؛ زیرا امید دست‌یابی به موفقیت در آنان افزایش یافته و فعالیت‌ها از سوی اعضا مفید و سازنده ارزیابی می‌شود (سهرابی صمیره، نوابخش و حضرتی، ۱۴۰۰: ۶۳).

عوامل مؤثر بر همگرایی قومی

در اکثر کشورهای دنیا، بین افراد ملت، صرف نظر از سرزمینی که همه در آن زندگی می‌کنیم و حکومتی که تحت لوای آن به سر می‌برند، عواملی وجود دارد که آن‌ها را به یکدیگر نزدیک کرده و از مردم سرزمین و کشورهای دیگر، مشخص و مجزا می‌سازد. این عوامل و اجزای اصلی هویت ملی را می‌سازند عبارتند از:

^{۲۰} National unity

- عامل نژاد: در قدیم، این عامل در میان اقوام ابتدایی و نیز در قرون وسطا و شاید هم تا این اواخر در میان مردم بعضی از کشورها و از طرف بعضی از حکومت‌ها و فیلسوفان و نظریه‌پردازان اجتماعی جزء عوامل مهم همبستگی و هویت ملی به‌شمار می‌رفت؛ ولی تنوع، گسترش ارتباطات و اختلاط زیادی که بین مردم جوامع مختلف جهان صورت می‌گیرد، دیگر چندان اهمیت سابق را ندارد.

- زبان و فرهنگ: در اصل، زبان هر ملتی جزء ارکان اصلی فرهنگ آن ملت و گسترش‌دهنده و بیان‌کننده آحاد فرهنگ هر ملت است. فرهنگ اغلب، با تکیه زدن بر زبان، شخصیت و هویت فرهنگی یک ملت را تشکیل می‌دهد. اگر مردم کشور فرانسه «فرانسوی» نامیده می‌شوند، نه تنها به سبب فرهنگ که عامل اصلی تشکیل‌دهنده هویت ملی آن‌هاست فرانسوی خوانده می‌شوند.

- آداب و رسوم و سنن اجتماعی: سنن اجتماعی و آداب و رسوم؛ علاوه بر بازتاب و فرایند کارکرد فرهنگ یک ملت از عناصر عمده تشخیص هویت ملی مردم هر سرزمین است.

- دین و مذهب: در بسیاری از کشورها، عامل دین و مذهب علاوه بر تشخیص هویت فرهنگی و دینی آن کشور، جزء عوامل شناسایی آن کشور در سطح بین‌المللی است؛ گاهی به‌عنوان عامل مهم همبستگی ملی به‌کار می‌رود؛ اگرچه باید به این مسئله بسیار مهم اشاره کرد که در جهان امروز دیگر دین و مذهب به‌عنوان یک عامل اصلی تشخیص ملی و همبستگی در بعضی کشورها نیست در پاره‌ای از کشورهایی که اقوام آن‌ها دارای اعتقادات و ادیان و مذاهب مختلف هستند، عامل دین و مذهب به‌عنوان مسئله اصلی تضاد و جداسازی محسوب شده و ایجاد ستیز و ناهمگرایی کرده است. اصولاً، در جهان امروز که امر ارتباطات بین‌المللی و همبستگی جهانی مطرح است، هویت ملی هر کشوری جدا از مفهوم دین و مذهب رایج در آن کشور مورد توجه می‌گیرد؛ چراکه بسیاری از ادیان صرفاً متعلق به مردم یک کشور نبود؛ بلکه جهانی است. از این رو، معبران علوم اجتماعی اکنون دین و مذهب را یک عامل معنوی و خصوصی شمرده و گاه در برابر تنش دینی و مذهبی از عوامل اصلی هویت ملی بهره می‌گیرند که پراهمیت‌ترین عامل همبستگی مردم هر جامعه است.

- سرزمین مشترک: وجود یک سرزمین مشترک، عامل اصلی همبستگی بین افراد یک ملت است. مردمی که در یک سرزمین زندگی می‌کنند، خواه ناخواه با یکدیگر همبستگی زبانی و فرهنگی پیدا می‌کنند. هانس کوهن؛ جامعه‌شناس و سیاست‌مدار ملی‌گرای آمریکایی می‌گوید: «سرحادات سیاسی باعث به‌وجود آمدن ملت‌ها می‌شود». برای نمونه: ملت کانادا از ترکیب دو ملت کاملاً متمایز به‌وجود آمده است، محصول وحدت سیاسی و جغرافیایی کشور کانادا است.

- عامل اقتصادی: یکی از عواملی که در ایجاد همبستگی نقش بسیار مهمی را بر عهده دارد؛ عامل اقتصادی است. در بسیاری از موارد دیده شده ه افرادی که از جهات مختلف؛ یعنی زبان، فرهنگ، نژاد و مذهب با یکدیگر تفاوت کامل دارند؛ ولی از نظر اقتصادی دارای هدف مشترک بوده یا به دلایلی خود را نیازمند یکدیگر حس می‌کنند. بر اثر همکاری با یکدیگر به تدریج، یک ملت مستقل به‌وجود آورده و بانی یک کشور مستقل گردیده‌اند. بهترین مثال برای چنین وضعی، کشور سوئیس است که ملت آن با وجود اختلاف فاحشی که از نظر زبان، نژاد و مذهب با یکدیگر دارند از ابتدا و در نتیجه همبستگی که بر اثر تجارت با مناطق ماورای آلپ در ایتالیا بین آن‌ها ایجاد شده بود، خود را متعلق به یکدیگر دانسته و «ملت متشکل فدراسیون سوئیس» را تشکیل داده‌اند (عزیزی، ۱۳۹۹: ۶-۷).

هویت ملی و قومی در پنج بعد شامل: دلبستگی به سرزمین ملی و قومی، همگرایی زبان و ادبیات ملی و قومی، همگرایی فرهنگ تاریخ ملی و قومی، همگرایی دینی و همگرایی سیاسی تعریف شده است (رویین تن، مشهدی میقانی و یارمحمدتوسکی، ۱۳۹۸: ۷۷-۷۸).

همگرایی ملی و رشد هویت‌های قومی

جهانی شدن بازارهای اقتصادی و گسترش انواع ارتباطات جهانی و تغییراتی که در روابط بین کشورها به وجود آمده، زمینه‌ساز روندی است که به اعتقاد پاره‌ای صاحب‌نظران از اهمیت‌های دولت ملی خواهد کاست؛ اما با وجودی که دولت‌های ملی به‌عنوان اصلی‌ترین بازیگران بین‌المللی از اواسط قرن گذشته تاکنون به تدریج تن به جایگزین‌های دیگر می‌دهند، جهان همچنان شاهد خلق دولت‌های ملی جدید با توجه به وسیع بودن و متنوع بودن اقوام ساکن در سیاره زمین احتمالاً؛ روند خلق ملت‌های جدید ادامه خواهد داشت (جوکار، بخشایشی اردستانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۱۲).

پیشینه پژوهش

جوکار و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی تحلیلی- توصیفی و با ترکیبی از روش اسنادی و پیمایشی تحت عنوان "بررسی وضعیت واگرایی و همگرایی اقلیت‌های قومی و مذهبی در کشور (مناطق کردنشین و بلوچ‌نشین)"، جهت جمع‌آوری اطلاعات بخش پیمایشی پژوهش با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده کردند. برای تحلیل اطلاعات از آمارهای توصیفی و استنباطی (با استفاده از نرم‌افزار SPSS و همچنین از روش تحلیل SWOT) استفاده گردید. نتایج نشان داد که قوم کرد؛ واگرایی بیشتری نسبت به قوم بلوچ دارند و در مجموع، میزان همگرایی این دو قوم با حکومت مرکزی ضعیف است. همچنین به نظر می‌رسد که چشم‌انداز شکاف‌های قومی و مذهبی در مناطق کردنشین و بلوچ‌نشین از لحاظ امنیت پایدار بماند و به‌عنوان یک پازل فرهنگی در جامعه متکثر ایران، شرایط فعلی را حفظ نماید و در این برهه، نحوه اقدامات دولت در مهار این بحران و حفظ منافع و امنیت ملی کشور بسیار حیاتی است. سهرابی صمیره و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی تحت عنوان "نقش قوم‌گرایی و اجتماعات مذهبی در انسجام اجتماعی (مورد مطالعه: شهر اندیمشک)" که با هدف تحلیل جامعه‌شناختی انسجام اجتماعی در بین شهروندان اندیمشک در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹ انجام شده بود، در جامعه آماری متشکل از دو گروه متخصصین و مسئولین (۵۰ نفر شامل استاندار، فرماندار، شهردار و نماینده مجلس) که از روش نمونه‌گیری در دسترس و هدفمند انتخاب شده بودند و گروه دوم که شامل کلیه شهروندان مرد و زن در سن ۱۵ تا ۶۵ سال ساکن در شهر اندیمشک که از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای و تصادفی ساده انتخاب شده بودند با استفاده از پرسشنامه محقق- ساخته که ابعاد انسجام اجتماعی و قوم‌گرایی را مورد سنجش قرار می‌داد نشان دادند که از دیدگاه مسئولین؛ با توجه به مقدار ضریب بتا استاندارد شده می‌توان گفت گروه‌های قومی با ضریب بتا ۰/۵۷۸ رابطه معنادار بیشتری را نسبت به اجتماعات مذهبی با ضریب بتا ۰/۵۰۶ با انسجام اجتماعی دارد. از دیدگاه شهروندان؛ گروه‌های قومی با ضریب ۰/۴۸۴ رابطه معنادار بیشتری را نسبت به اجتماعات مذهبی با ضریب بتا ۰/۴۵۱ با انسجام اجتماعی دارد؛ همچنین ایشان به این نتیجه رسیدند که هرچه میزان قوم‌گرایی بیشتر باشد به همان اندازه تمایل به یک آسیب خاص وجود دارد؛ لذا این متغیر با توجه به زمینه تأثیرگذاری آن باید تعدیل شود. عزیزی (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان "اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر

همگرایی قومی در شهرستان ارومیه" که یک تحقیق توصیفی-تحلیلی بود، جهت اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر همگرایی قومی در شهرستان ارومیه، پرسشنامه‌هایی را بین ۱۱۰ نفر از شهروندان در ۵ منطقه شهری ارومیه توزیع و با استفاده از نرم‌افزار SPSS و LISREL مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. نتایج حاصل از مطالعه نشان داد که مؤلفه‌های اقتصادی و مؤلفه‌های سیاسی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار و سپس مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی در مراحل بعدی به لحاظ تأثیرگذاری در همگرایی قومی شهر ارومیه قرار دارند. قاصد، زنجانی و کلدی (۱۳۹۸)، در پژوهشی تحت عنوان "بررسی عوامل سیاسی-اجتماعی مؤثر در همگرایی قومی (مطالعه موردی: قومیت‌های شهرستان ارومیه)"، با استفاده از روش-شناسی کیفی تحقیق، برای روشن شدن همگرایی قومیت‌ها در این پژوهش، عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر در همگرایی-های قومی، با تکیه بر تأثیرگذاری عوامل سیاسی اجتماعی را مورد بررسی قرار دادند. مطالعه موردی؛ قومیت‌های مختلف شهرستان ارومیه در مقایسه با کل کشور بودند. ایشان از نظریه زمینه‌ای به‌عنوان روش اجرای عملیات پژوهش استفاده کردند. داده‌های کیفی پژوهش با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق گردآوری شده است و برای ارائه نظریه نهایی از استراتژی نظریه زمینه‌ای استفاده کردند. بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و نیز با در نظر گرفتن معیار اشباع نظری، با تعداد ۱۵ نفر از جامعه مورد مطالعه، مصاحبه عمیق انجام دادند. یافته‌های به‌دست آمده در ۶۳ مفهوم دسته‌بندی گردید و از میان این مفاهیم، ۵ مقوله اصلی: ناسیونالیسم و تاریخ مشترک، دین مشترک، امنیت و امیدواری به‌دست آمد. مقوله هسته‌ای این پژوهش، مفهوم «امنیت» بود که سایر مقولات اصلی را دربر می‌گیرد. نتایج تحقیق نشان داد که قومیت‌های شهرستان ارومیه در سایه امنیت اجتماعی-سیاسی، همگرایی را بر واگرایی ترجیح داده‌اند. برزگر، لطفی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی توصیفی-پیمایشی تحت عنوان "نقش سیاست‌های قومی و مذهبی در مشارکت اقوام در امنیت، توسعه همه-جانبه و همگرایی با تأکید بر ترکمن‌های شمال و شمال شرق ایران"، به دنبال پاسخ به این سؤال بودند که مشارکت سیاسی و اقتصادی اقوام ایرانی در مدیریت کشور چه اثر و نقشی در امنیت و توسعه همه‌جانبه و همگرایی اقوام دارد؟ فرضیه‌ای که برای این سؤال در نظر گرفتند این بود که به نظر می‌رسد در تاریخ ایران، هر زمان دولت مرکزی به اقوام و گروه‌های قومی توجه کرده، ساختار سیاسی شاهد مشارکت و همیاری و همسویی آن‌ها با خواست‌های حاصل از سیاست‌گذاری‌های مرکز بوده است. ایشان در ابتدا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات پژوهشی و نیز سایر منابع علمی به گردآوری و تحلیل مشارکت سیاسی و اقتصادی و ادبیات قومیت پرداخته و در ادامه با استفاده از روش دلفی به آزمون فرضیات پژوهش پرداخته‌اند. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که تشویق اقوام ایرانی به حذف ناسیونالیسم افراطی قومی و نهادسازی سازمانی، بستری برای مشارکت نظام‌مند در متن نظام سیاسی فراهم می‌سازد و از طرف دیگر، چنانچه احساس هویت متفاوت در کنار احساس محرومیت‌های سیاسی-اجتماعی قرار گیرد می‌تواند موجب عوارض امنیتی در کشور باشد؛ همچنین سکه وزنه مدیریت سیاسی به نسبت وزنه جمعیتی و احساس محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی نسبت به مرکز در ایران می‌تواند احساس هویت متفاوت در قومیت‌ها را تشدید نمایند. رضائیان، وثوقی و ساروخانی (۱۳۹۸)، در پژوهشی تحت عنوان "مطالعه جامعه‌شناختی حوزه‌های هم‌گرایی و واگرایی هویت ملی و هویت قومی"، به مطالعه جامعه‌شناختی حوزه‌های همگرایی و واگرایی هویت قومی و هویت ملی قوم لک پرداختند. روش تحقیق پیمایشی، جامعه آماری تحقیق شامل مردمان لک؛ ساکن در ایران بود و تعداد ۳۹۷ نفر از آن‌ها به‌عنوان حجم نمونه با روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. نتایج حاصل از مطالعه مؤید قرار گرفتن ابعاد فرهنگی و اجتماعی هویت قومی در حوزه همگرایی با هویت ملی و همچنین قرار گرفتن احساس محرومیت و طردشدگی قومی در حوزه واگرایی با هویت ملی

است. نتایج نشان دادند که احساس محرومیت، بیشترین اثر تقویتی را بر متغیر هویت قومی و باستان‌گرایی و تعلقات قومی بیشترین اثر تقویتی را بر هویت ملی دارند؛ همچنین متغیر تحصیلات در هویت قومی نقش تضعیف‌بخش و در هویت ملی، نقش تشدیدبخشی را ایفا می‌نماید. رویین‌تن، مشهدی میقانی و یارمحمدتوسکی (۱۳۹۸)، در پژوهشی تحت عنوان "مقایسه همگرایی هویت ملی و قومی در شهرهای کرمانشاه، سرپل ذهاب، صحنه و پاوه"، به بررسی و مقایسه همگرایی هویت قومی و ملی در شهرهای کرمانشاه، سرپل ذهاب، صحنه و پاوه پرداختند. روش پژوهش، پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه بود که روایی و پایایی آن با اعتبار صوفی و آلفای کرونباخ مورد تأیید گرفته بود. جامعه آماری این پژوهش شامل جوانان ۲۹-۱۵ ساله بودند که از طریق فرمول کوکران و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب تعدادی نمونه از هر شهر انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده از آزمون تی مستقل و تحلیل واریانس استفاده کردند و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند. نتایج تحلیل نشان داد مقایسه همگرایی هویت ملی و قومی بین جوانان شهرهای کرمانشاه، سرپل ذهاب، پاوه و صحنه با یکدیگر تفاوت معناداری ندارد و میانگین دارای مقادیر متفاوت و معناداری با یکدیگر نیستند و سطح معناداری نیز برابر با ۰/۹۶٪ گزارش شده که از سطح بحرانی ۰/۰۵٪ بزرگ‌تر بود. دشتی و عیوضی (۱۳۹۷). در پژوهشی کاربردی تحت عنوان "عوامل مؤثر در ارتقاء همگرایی اقوام ایرانی در عصر جهانی- شدن"، با بهره‌گیری از روش توصیفی- تحلیلی پس از انجام مطالعات نظری تلاش کردند عوامل مرتبط و مرثر بر سطح ارتقاء همگرایی اقوام در سه مؤلفه سیاسی- امنیتی، اقتصادی و فرهنگی- اجتماعی شناسایی و در ادامه با مشاوره با برخی افراد خبره و صاحب‌نظر مرتبط با موضوع و اخذ نظرات ایشان، پرسشنامه‌ای جهت اخذ نظرات جامعه آماری تنظیم کردند. جامعه آماری شامل ۲۱۴ نفر با استفاده از فرمول کوکران و خطای ۰/۱، ۶۶ نفر تعیین گردید. داده‌ها با آزمون‌های t تک-نمونه‌ای و آزمون فریدمن و نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که تمامی مؤلفه‌ها بر همگرایی اقوام ایرانی مؤثرند؛ همچنین مؤلفه سیاسی و امنیتی، بیشترین تأثیر را در همگرایی اقوام ایرانی دارد. کایان^{۱۱} (۲۰۲۰)، در پژوهشی تحت عنوان "درک فرقه‌گرایی سنی-شعبه در اندونزی معاصر"، بیان نمودند که یک سری حوادث فرقه‌ای توسط روحانیون NU در شرق جاوه تحریک شده است. این امر ایشان را ترغیب کرده تا ماهیت پیچیده‌تر تنوع NU را دوباره بررسی کنند. سؤالاتی که ایشان به دنبال پاسخ به آن بودند این بود که چرا کیایی‌های نابردار از NU ظهور کرده‌اند؟ چه انگیزه‌ای آن‌ها را برای مشارکت در فرقه‌گرایی تحریک می‌کند و آن‌ها چه کسانی هستند؟ ایشان استدلال کردند که احساسات ضدشیعی فرقه‌ای به‌عنوان تلاشی برای مشروعیت‌زدایی از رهبران کثرت‌گرای NU و افزایش نفوذ در داخل و خارج از سازمان ظاهر شد. ایشان ظهور گروه‌های نوفیک ضد شیعه را بررسی کردند که از طریق اشتراک خود به‌عنوان پیروان سیدمحمد علوی المالکی (۱۹۴۴-۲۰۰۴)، روحانی اهل مکه، عربستان سعودی، پیوند محکمی ایجاد کرده‌اند. او یک علم فوق‌العاده مورد احترام در میان اعضای NU بود. اگرچه او اهمیت تساهل را اعلام کرد و از محکوم کردن کسی به-عنوان کافر -از جمله شیعه- خودداری کرد، برخی از شاگردانش به‌طور فزاینده‌ای درگیر فرقه‌گرایی هستند تا در دموکراسی انتخاباتی اندونزی نفوذ کنند. حداد^{۱۲} (۲۰۱۷)، در پژوهشی تحت عنوان "فرقه‌گرایی و نارضایتی‌های آن در مطالعه خاورمیانه"، به بررسی انتقادی واژگان مرتبط با مطالعه «فرقه‌گرایی» در خاورمیانه پرداختند. این مطالعه به بررسی آثار عربی و انگلیسی زبان درباره «فرقه‌گرایی» پرداخت تا نشان دهد که چگونه فقدان تعاریف این اصطلاح، اجازه داده است

^{۱۱} Kayane

^{۱۲} Haddad

که از آن به شیوه‌های متناقضی استفاده شود که آن را نه صرفاً بی‌معنی؛ بلکه تحریف‌کننده درک ما از موضوع کند. علاوه بر این، اصطلاح «فرقه‌گرایی» با مفاهیم منفی اجتناب‌ناپذیرش، به‌عنوان ابزاری برای خنثی کردن مخالفت‌های سیاسی و انگ زدن به هویت مذهبی مردم استفاده شده است. ایشان به‌دنبال این موضوع بود که «فرقه‌گرایی» چیست؟ آیا چیزی است که احساس می‌شود یا تمرین می‌شود؟ این یک تفکر است یا یک سیاست؟ آیا این مترادف با سیاست هویت محور است یا محدود به نفرت بین جمعی است؟ اسپناتی^{۲۳} (۲۰۱۴)، در پایان‌نامه خود تحت عنوان "فواید فرقه‌گرایی"، عنوان نمود که از زمان ظهور نخبگان نظامی به بالاترین رده‌های قدرت، قبطیان مصری^{۲۴} نقش خود را به تدریج در جامعه و در فرآیندهای اصلی تصمیم‌گیری کاهش دادند. به حاشیه راندن جامعه قبطی مصر به‌طور خاص، تحت تأثیر گرایش جمعی به مرکزیت تعلق مذهبی، قرار داشت. تقسیم جامعه بر اساس خطوط فرقه‌ای به‌طور استراتژیک توسط رژیم‌های مصر دستکاری شده است که از موقعیت ضعیف اقلیت مذهبی در روابط خود با دیگر فعالان کلیدی استفاده کردند. این پایان‌نامه، فرآیندهای اجتماعی-سیاسی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است که منجر به حاشیه رانده شدن شهروندان قبطی از فضای عمومی می‌شود. به‌طور خاص، این تحلیل مکانیسم‌هایی را که توسط رژیم مصر برای تحکیم وضعیت موجود خود و پیامدهایی که سیاست‌های آن بر ادغام اقلیت قبطی در نظام مصر ایجاد کرده بود را مورد بررسی قرار داده است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف در حیطه پژوهش‌های کاربردی می‌باشد. و از نظر ماهیت داده‌ها از نوع کمی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، یک پژوهش توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق شامل اقوام ساکن در استان گلستان هستند که تعداد ۱۸۶۸۸۱۹ نفر براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ می‌باشد. نمونه آماری براساس فرمول کوکران، تعداد ۳۸۴ نفر بوده که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. در این پژوهش، ابتدا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات مختلف، اطلاعات لازم در رابطه با متغیرهای تحقیق گردآوری شد و سپس از پرسشنامه برای جمع‌آوری نظرات نمونه مورد مطالعه استفاده شد. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه تدوین‌شده برای هر یک از متغیرهای پژوهش بود. برای اطمینان از روایی پرسشنامه از روش اعتبار محتوا استفاده شده است. برای روایی محتوا با رجوع به نظر متخصصان و اساتید از روایی ابزار اندازه‌گیری، در سنجش متغیرهای تحقیق اطمینان حاصل شده است که در این مرحله پرسشنامه‌ها با همگرایی زیادی میان نظرات این متخصصان، تأیید شد و نظرات اصلاحی آن‌ها در پرسشنامه بکار گرفته شد. برای سنجش پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ با استفاده از نرم‌افزار SPSS^{۲۶} استفاده شده است که مقدار ضریب پایایی درونی آلفای کرونباخ برای ابزار اندازه‌گیری بالاتر از ۰/۷۵ برای هر یک از مؤلفه‌ها در سطح $(\alpha = 0/05)$ جدول شماره (۱) معنی‌دار است که نشان از پایایی بالای ابزار اندازه‌گیری دارد.

جدول شماره (۱): ضریب آلفای کرونباخ برای مولفه‌های تحقیق

عوامل	ضریب آلفای کرونباخ
سیاست‌های قومی	۰/۷۹

^{۲۳} Spennati

^{۲۴} Egyptian Copts

۰/۸۲	رقابت جویی و شکاف سیاسی
۰/۷۸	همکاری در فعالیت های اقتصادی
۰/۸۱	رفتارهای اقتصادی
۰/۸۴	هویت فرهنگی و اجتماعی
۰/۷۷	تعاملات و پیوندهای اجتماعی و فرهنگی
۰/۸۳	شکاف اجتماعی

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات آماری داده‌ها از روش آماری استنباطی برحسب چگونگی توزیع داده‌ها استفاده شد و داده‌ها توسط نرم‌افزار *SPSS* تجزیه و تحلیل شد؛ همچنین همه آزمون‌های آماری در حد معنی‌داری ۰/۰۵ به آزمایش گذارده شد.

آزمون فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: سیاست‌های قومی نظام جمهوری اسلامی ایران منجر به افزایش همکاری در فعالیت‌های اقتصادی در بین اقوام استان گلستان شده است.

در این جا جهت بررسی رابطه علی بین این دو متغیر از رگرسیون خطی به شیوه اینتر استفاده می‌کنیم.

جدول شماره (۲): مدل رگرسیون پیش‌بینی شده

ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعدیل یافته	R
۰/۳۶۷	۰/۳۶۵	۰/۶۰۶

R^2 (مقدار ضریب برابر شده است $R^2 = ۰/۳۶۷$ ، بدین معنی که متغیر مستقل همکاری در فعالیت‌های اقتصادی در بین اقوام استان گلستان به میزان ۰/۳۶۵ توانایی تبیین متغیر وابسته سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران این میزان برای R^2 مطلوب است.

جدول شماره (۳): نتایج آزمون ANOVA

مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	sig
۴۱۸۷/۹۲۷	۱	۴۱۸۷/۹۲۷		
ضریب				

۰/۰۰۰	۲۲۱/۳۶۲				رگرسیون
		۱۸/۹۱۹	۳۸۳	۷۲۲۷/۰۳۲	ضریب پسمانده
			۳۸۴	۱۱۴۱۴/۹۵۸	مجموع

نتایج آزمون آنووا حاکی از آن است که در فاصله اطمینان ۹۹٪ سطح معناداری برابر است با $\text{Sig}=0/000$ ، به عبارت دیگر، خط رگرسیون کمتر از واریانس پسماند توانایی تبیین واریانس متغیر وابسته سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران را دارد یا به عبارت دیگر، متغیر مستقل افزایش همکاری اقتصادی در بین اقوام استان گلستان بر متغیر وابسته سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران تأثیر دارد و رابطه مورد نظر تأیید می‌گردد.

جدول شماره (۴): ضرایب رگرسیونی مربوط به مدل‌های پیش‌بینی شده

Sig	t	ضرایب رگرسیونی استاندارد شده	ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده		
			B	Std. error	
۰/۰۰۰	۱۹ /۶۰۵	۰/۶۰۶	۱۸ /۸۱۰	۰/۹۵۹	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۱۴ /۸۷۸		۰ /۸۲۲	۰/۰۵۵	رقابت جویی و تشدید شکاف سیاسی

فرضیه دوم: سیاست‌های قومی نظام جمهوری اسلامی ایران منجر به افزایش تعاملات و پیوندهای اجتماعی و فرهنگی بین اقوام استان گلستان شده است.

در این جا جهت بررسی رابطه علی بین این دو متغیر از رگرسیون خطی به شیوه اینتر استفاده می‌کنیم.

جدول شماره (۵): مدل رگرسیون پیش‌بینی شده

ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعدیل یافته	R
۰/۱۴۳	۰/۱۴۱	۰/۳۷۸

R^2 (مقدار ضریب برابر شده است $R^2 = ۰/۱۴۳$ ، بدین معنی که متغیر مستقل افزایش تعاملات و پیوندهای اجتماعی و فرهنگی اقوام استان گلستان به میزان ۰/۱۴۱ توانایی تبیین متغیر وابسته سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران این میزان برای R^2 مطلوب است.

جدول شماره (۶): نتایج آزمون ANOVA

sig	F	میانگین مجذورات	df	مجموع مجذورات	
۰/۰۰۰	۶۳/۷۷۶	۱۶۳۳/۱۱۲	۱	۱۶۳۳/۱۱۲	ضریب رگرسیونی
		۲۵/۶۰۷	۳۸۳	۹۷۸۱/۸۴۶	ضریب پسمانده
			۳۸۴	۱۱۴۱۴/۹۵۸	مجموع

نتایج آزمون آنووا حاکی از آن است که در فاصله اطمینان ۹۹٪ سطح معناداری برابر است با $\text{sig}=۰/۰۰۰$ ، به عبارت دیگر، خط رگرسیون کمتر از واریانس پسماند توانایی تبیین واریانس متغیر وابسته سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران را دارد یا به عبارت دیگر، متغیر مستقل تعاملات و پیوندهای اجتماعی و فرهنگی اقوام استان گلستان بر متغیر وابسته سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران تأثیر دارد و رابطه مورد نظر تأیید می‌گردد.

جدول شماره (۷): ضرایب رگرسیونی مربوط به مدل‌های پیش‌بینی شده

Sig	t	ضرایب رگرسیون استاندارد شده	ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده		
			Beta	Std.erro r	
۰/۰۰۰	۲۸۳ ۲۰	۰/۳۷۸	۱/۱۶۵	۶۲۷ ۲۳	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۹۸۶ ۷		۰/۰۸۲	۶۵۱ ۰	کنش های و رفتارهای اقتصادی

نتیجه گیری

مطابق نتایج حاصل شده، خط رگرسیون توانایی تبیین واریانس متغیر وابسته سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران را دارد. به عبارت دیگر، متغیر مستقل افزایش همکاری اقتصادی و نیز تعاملات و پیوندهای اجتماعی و فرهنگی در بین اقوام استان گلستان بر متغیر وابسته سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران تأثیر دارد و روابط مورد نظر تأیید می‌گردد. در زمینه بررسی فرضیه اول می‌توان اذعان نمود که گرچه اقوام مختلف دارای سطح فرهنگ، ارزش‌ها، باورهای مختص به قوم خود می‌باشند که بر آن فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و باورها پایبند می‌باشند؛ اما بنا به دو دلیل در تمامی سطوح بالاخص، امور اقتصادی، دارای همکاری‌های لازم می‌باشند. اولاً، همگی این اقوام گرچه از نژادها، فرهنگ‌های مختلف و با ارزش‌ها و باورهای مختلف می‌باشند؛ اما همگی در یک کشور، دارای زبان مشترک و زیر سایه نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشند و از طرف دیگر، هرگونه تغییر در وضعیت اقتصادی کشور سبب تأثیر آن بر تمامی اقشار ساکن داخل کشور خواهد شد و از آنجا که در دنیای مدرن‌پسند سطح سواد، سطح شهرنشینی، استفاده از وسایل ارتباط الکترونیکی رو به افزایش گذارده و تمامی این عوامل سبب گردیده که نژادگرایی رو به افول گذارده؛ لذا تمامی این عوامل باعث همکاری در فعالیت‌های مختلف از جمله فعالیت‌های اقتصادی می‌گردند. عزیزی (۱۳۹۹) در پژوهش خود نشان دادند که مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر همگرایی قومی شهر ارومیه دارند؛ بنابراین پژوهش ایشان را می‌توان همراستا با پژوهش حاضر دانست با این تفاوت که ایشان در پژوهش خود صرفاً اقوام شهر ارومیه را در نظر گرفته‌اند. دشتی و عیوضی (۱۳۹۷) که به بررسی تأثیر مؤلفه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر همگرایی اقوام پرداخته بودند نشان دادند که تمامی این مؤلفه‌ها در همگرایی اقوام ایرانی نقش دارند؛ بنابراین نتایج حاصل از پژوهش ایشان همراستا و متناسب با

پژوهش حاضر می‌باشد با این تفاوت که ایشان نقش مؤلفه سیاسی را پررنگ‌تر از مؤلفه اقتصادی مشاهده کردند. در زمینه فرضیه دوم نیز گرچه کشور ایران از جمله کشورهای چند قومیتی بوده که از اقوامی چون بلوچ، لر، کرد، بلوچ، عرب، فارس در آن ساکن هستند؛ اما همه این اقوام خود را ایرانی دانسته که همگی در لوای حکومت اسلامی در حال زندگی هستند. از این رو، تمامی این اقوام در زیر سایه نظام جمهوری اسلامی ایران با وحدت کلمه از آرمان‌های شهدا و ولایت فقیه پیروی نموده و هنگام مواجهه با توطئه‌های دشمنان همگی با افزودن تعاملات بین خود هم سبب ایجاد پیوندهای اجتماعی- فرهنگی شده و هم توطئه دشمنان را ناکام می‌نمایند؛ زیرا همه اقوام دارای یک هدف مشترک بوده که سبب ایجاد تعامل و وحدت بیشتر آن‌ها می‌گردد و آن هدف؛ حفظ نظام جمهوری اسلامی می‌باشد. نتایج حاصل از پژوهش جوکار و همکاران (۱۴۰۰) که بین دو قوم بلوچ و کرد انجام داده بودند نشان داد که قوم کرد واگرتر از قوم بلوچ هستند. نتایج حاصل از پژوهش ایشان نشان‌دهنده این مورد است که قوم بلوچ با سایر اقوام دارای پیوندهای اجتماعی و فرهنگی بیشتری نسبت به قوم کرد هستند. دشتی و عیوضی (۱۳۹۷) که به بررسی تأثیر مؤلفه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر همگرایی اقوام پرداخته بودند نشان دادند که تمامی این مؤلفه‌ها در همگرایی اقوام ایرانی نقش دارند؛ بنابراین نتایج حاصل از پژوهش ایشان همراستا و متناسب با پژوهش حاضر می‌باشد با این تفاوت که ایشان نقش مؤلفه سیاسی را پررنگ‌تر از مؤلفه اقتصادی مشاهده کردند. مطالعه سنولی (۲۰۱۹) در لبنان همراستا با پژوهش حاضر بوده درحالی‌که مطالعه ایشان در زمینه اقوام عراق قدیم مخالف نتایج لبنان بوده و به تازگی کشور عراق نیز درحال اجرای سیاست‌های قومی لبنان می‌باشد.

از آنجا که همه اقوام حاضر در استان گلستان مسلمان بوده و تحت یک کتاب آسمانی (قرآن کریم) می‌باشند؛ بنابراین می‌توان با تصویب قوانین امنیتی، حقوقی، اجتماعی و فرهنگی لازم‌الاجرا جهت حفظ امنیت اقوام مختلف، ایجاد بستر مناسب جهت تقویت موارد مشترک بین اقوام با هویت فرهنگی و حذف نقاط تضاد و تعارض در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، دینی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی و نیز ایجاد بسترهای مناسب جهت تقویت نظم سیاسی، اجتماعی، یکپارچگی ملی با تمایززدایی و تأکید بر وفاق اجتماعی؛ شکاف‌های اجتماعی موجود بین اقوام را از بین برده و سبب افزایش تعاملات و پیوندهای اجتماعی و فرهنگی بین اقوام مختلف گردید. این موارد می‌توانند با برخورد قانونی با هرگونه تبعیض قومی و نژادی و خشونت علیه اقوام مختلف، انجام برنامه‌ریزی‌های پایه‌ای کشور بدون در نظر گرفتن مرز و شکاف قومی نژادی، به‌کارگیری بزرگان هر قوم و قبیله جهت آموزش و نهادینه ساختن فرهنگ برادری و برابری و ایجاد پیوندهای اجتماعی و فرهنگی قوی، تقویت و آموزش مدیران سیاسی کشور جهت ایجاد انسجام در حوزه‌های فرهنگی، دینی، مذهبی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، به‌کارگیری استراتژی‌های وحدت‌بخش، بسترسازی جهت مشارکت نهادی تمامی اقوام در نظام سیاسی کشور امکان‌پذیر گردد.

منابع

۱. برزگر، نصرت؛ لطفی، حیدر؛ حسن‌آبادی، داود؛ رضویان، محمدتقی (۱۳۹۸). نقش سیاست‌های قومی و مذهبی در مشارکت اقوام در امنیت، توسعه همه‌جانبه و همگرایی با تأکید بر ترکمن‌های شمال و شمال شرق ایران، **فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)**، سال نهم، شماره ۲، صص ۴۳۳-۴۵۵.
۲. بزرگ‌نیا، الهام؛ هاشم‌پور، رحیم (۱۳۹۳). همبستگی اقوام ایرانی گامی در جهت بهبود روابط درون فرهنگی، اولین کنفرانس ملی جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی نوین، قم.
۳. جلالی، مهدی (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی هویت قومی و هویت ملی در میان دانش‌آموزان ترک آذری و کردزبان (مطالعه موردی: شهرستان میاندوآب)، **مطالعات میان‌فرهنگی**، سال سیزدهم، شماره ۳۷، صص ۶۹-۹۸.
۴. جوکار، کیوان؛ بخشایشی اردستانی، احمد؛ باقری، فردین؛ الله کرم، عبدالحسین (۱۴۰۰). بررسی وضعیت واگرایی و همگرایی اقلیت‌های قومی و مذهبی در کشور (مناطق کردنشین و بلوچ‌نشین)، **توسعه پایدار محیط جغرافیایی**، مقالات آماده انتشار پذیرفته‌شده، انتشار آنلاین از تاریخ ۱۸ فروردین ۱۴۰۰.
۵. جوکار، کیوان؛ بخشایشی اردستانی، احمد؛ باقری، فردین؛ الله کرم، عبدالحسین (۱۳۹۹). بررسی وضعیت واگرایی و همگرایی اقلیت‌های قومی و مذهبی کشور (مناطق کردنشین و بلوچ‌نشین)، **فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی ایران**، سال سوم، شماره چهارم، پیاپی ۱۲، صص ۵۰۷-۵۲۳.
۶. دشتی، فرزانه؛ عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۷). عوامل مؤثر در ارتقاء همگرایی اقوام ایرانی در عصر جهانی‌شدن، **پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۱۶۶-۱۲۹.
۷. رضائیان، علی؛ وثوقی، منصور؛ ساروخانی، باقر (۱۳۹۸). مطالعه جامعه‌شناختی حوزه‌های همگرایی و واگرایی هویت ملی و هویت قومی (مطالعه موردی: قوم لک)، **مطالعات علوم اجتماعی ایران**، سال شانزدهم، شماره ۶۱، صص ۳۶-۱۸.
۸. روین‌تن، مریم؛ مشهدی میقانی، زیلا؛ یارمحمدتوسکی، مریم (۱۳۹۸). مقایسه همگرایی هویت ملی و قومی در شهرهای کرمانشاه، سرپل ذهاب، صحنه و پاوه، **مطالعات میان فرهنگی**، سال چهاردهم، شماره ۳۹، صص ۶۹-۹۴.
۹. سهرابی صمیره، شهلا؛ نوابخش، مهرداد؛ حضرتی، زهرا (۱۴۰۰). نقش قوم‌گرایی و اجتماعات مذهبی در انسجام اجتماعی (مورد مطالعه: شهر اندیمشک)، **پژوهش‌های جامعه‌شناختی**، سال ۱۵، شماره اول، صص ۸۴-۶۱.
۱۰. طالبی، ابوتراب؛ کریم‌زاده، علی (۱۳۹۷). هویت‌خواهی و منازعه قومی (ارائه چارچوبی تحلیلی)، **فصلنامه علمی-پژوهشی آفاق امنیت**، شماره ۳۹، صص ۱۰۹-۶۷.
۱۱. عادل، علی؛ فتحی، سروش؛ پیراهی، نیر (۱۳۹۷). تحولات قومی در مرزهای ایران قبل و بعد از جنگ تحمیلی: ابعاد و راهکارها، **فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)**، سال هشتم، شماره ۳، صص ۵۴-۳۱.
۱۲. عزیزی، ناصر (۱۳۹۹). اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر همگرایی قومی در شهرستان ارومیه، **مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، سال سیزدهم، شماره ۴۸، صص ۲۴-۱.
۱۳. قاسمی، احمد؛ صفاری‌راد، علی (۱۳۹۳). قوم و قومیت‌گرایی در کشورهای جهان سوم فرصت یا تهدید (مطالعه موردی: مناطق مرزی ایران)، همایش ملی مرزن‌نشینی توسعه پایدار و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، پارس‌آباد.
۱۴. قاصد، مهدی؛ زنجانی، حبیب‌الله؛ کلدی، علیرضا (۱۳۹۸). بررسی عوامل سیاسی-اجتماعی مؤثر در همگرایی‌های قومی (مطالعه موردی: قومیت‌های شهرستان ارومیه)، **فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، پیاپی ۳۰، صص ۱۵۰-۱۲۵.

۱۵. Arifianto, Alexander. (۲۰۲۱). From Ideological to Political Sectarianism: Nahdlatul Ulama, Muhammadiyah, and the State in Indonesia, *RELIGION, STATE & SOCIETY*, VOL. ۴۹, NO. ۲, ۱۲۶-۱۴۱.
۱۶. Gengler, Justin. (۲۰۲۰). Sectarianism from the Top Down or Bottom Up? Explaining the Middle East's Unlikely Desectarianization after the Arab Spring, *The Review of Faith & International Affairs*, volume ۱۸, number ۱, pp ۱۰۸-۱۱۳.
۱۷. Haddad, Fanar. (۲۰۱۷). 'Sectarianism' and Its Discontents in the Study of the Middle East, *Middle East Institute* ۷۱(۳), ۳۶۳-۳۸۲.
۱۸. Kayane, Yuka. (۲۰۲۰). Understanding Sunni-Shi'a sectarianism in contemporary Indonesia, *Indonesia and the Malay World*, Volume ۴۸, ۲۰۲۰ - Issue ۱۴۰, pp ۷۸-۹۶.
۱۹. Robinson, Heather M. Connable, Ben. Thaler, David E. Scotten, Ali G. (۲۰۱۸). Sectarianism in the middle east imolications for the united states, *Published by the RAND Corporation, Santa Monica, Calif.*
۲۰. Saouli, Adham. (۲۰۱۹). Sectarianism and Political Order in Iraq and Lebanon, *Studies in Ethnicity and Nationalism*, ۱۹(۱), ۶۷-۸۷.
۲۱. Sebastian, Ille. (۲۰۲۱). The Evolution of Sectarianism, *Nonlinear Science and Numerical Simulation* ۹۷(۴): ۱۰۵۷۲۶.
۲۲. Spennati, Lavinia. (۲۰۱۴). Benefits of sectarianism Egypt's Regime and the Marginalisation of Coptic Christians, European Master's Degree in Human Rights and Democratisation, *university college Dublin*.